

وقف به شیوه «پسر میرزای ناظر»

مرضیه ترابی ا در میان واقفان شناخته‌شده دوران معاصر، کسانی که مبدع الگویی نوین برای وقف باشند یا بتوانند شاخص‌های این سنت حسنه را ارتقا بخشند. فراوان نیستند. در عرصه وقف، معمولاً واقفان خیراندیش با تأسی به شیوه نیکوی پیشینیان موضوعات گوناگون این حوزه را انتخاب می‌کنند و به قول اهل فن، بعد از «حبس مال»، به «تسبیل» درآمد آن می پردازند. اما در میان واقفان عصر ما، گاه افرادی پیدا می‌شوند که فارغ از پرداختن به این سنت حسنه، کارکردهای آن را نیز دچار تحول اساسی می‌کنند؛ افرادی مانند مرحوم عبدا...رضوی که نام نیکوی وی بر تارک تاریخ وقف خراسان و شهر مشهد می‌درخشد و امروز سی‌وهفتمین سالروز درگذشت اوست.

۹۱ سال تلاش کارآمد

مرحوم عبدا...رضوی، مشهور به «عبدا...میرزای ناظر»، در سال ۱۲۷۵ خورشیدی و در شهر مشهد به دنیا آمد. پدرش «محمد مهدی»، مشهور به میرزای ناظر، ناظر موقوفات آستان قدس بود و عبدا...نیز بعد از درگذشت پدر به این مقام رسید. خانواده آن‌ها چند نسل متوالی، این مسئولیت مهم را در آستان قدس عهده‌دار بودند و در کنار آن، به عنوان ملاکان و زمین‌داران برجسته و ثروتمند خراسان هم شناخته می‌شدند. مرحوم عبدا...رضوی در سال ۱۳۱۵ خورشیدی، در چهل سالگی، برای ادامه تحصیل در رشته مهندسی کشاورزی به آلمان رفت و موفق به کسب مدرک کارشناسی ارشد در این رشته شد. این انتخاب رشته کاملاً هدفمند صورت گرفت. او می‌خواست در ساختار کشت بر روی زمین‌های آباواجدادی‌اش تغییرات اساسی ایجاد و در آن‌ها الگوهای نوین را پیاده کند. مرحوم رضوی بعد از

درباره اینکه چرا باید نقش مرحوم عبدا...رضوی را در تاریخ وقف خراسان و شهر مشهد جدی بگیریم، می‌توان ساعت‌ها سخن گفت و صدها صفحه به رشته تحریر درآورد؛ با این حال، اگر بنا باشد به‌صورت خلاصه به تحلیل نقش این واقف نامدار و خیراندیش در تحول سنت حسنه وقف بپردازیم، باید موارد زیر را به عنوان شاخص‌های این تحلیل مطرح کنیم:

نخست:

مرحوم عبدا...رضوی برای وقف برنامه‌ای مدون داشت؛ به این معنا که وقف‌های وی خلق السلاعه و تابع تصمیم‌گیری فوری نبودند. او از مدت‌ها قبل در پی انجام این کار بود و به همین دلیل، زیرساخت‌های مدیریتی ویژه‌ای را برای حفظ و توسعه موقوفه‌هایش سازمان داد. در نهاد اداره موقوفات او، کمتر به شیوه‌های سنتی اداره و توسعه اتکا شده است. تحصیلات عالیه مرحوم رضوی در رشته کشاورزی و علاقه فراوان او به این حوزه، باعث شد الگوهای مؤثر و نوینی را برای حفظ موقوفه و بازدهی بیشتر آن به کار گیرد. یکی از معضلات مهمی که در برخی موقوفه‌های بزرگ با آن روبه‌رو

هستیم، تکیه بر الگوهای مورد پسند متولیان در ادوار مختلف است؛ مسئله‌ای که گاه ساختارهای چندوجهی ایجاد می‌کند و اجازه نمی‌دهد اداره موقوفه به شکل احسن و با ساختار پایدار و کارآمد تداوم پیدا کند و اسباب ازدیاد درآمد آن شود.

دوم:

همان‌طور که اشاره کردیم، مرحوم عبدا...رضوی در برگزیدن موضوعات وقف، تبجر و استعداد فراوانی داشت. به عبارت ساده، او می‌گشت تا فضاهای مهم اما دیده نشده را برای ورود به سنت حسنه وقف پیدا کند و در برگزیدن موضوعات تکراری هم دست به پالایش ساختاری می‌زد و اجازه نمی‌داد با محدودیت‌های غیرلازم در متن وقف‌نامه، دست و پای متولیان بعدی برای توسعه عملیات و فعالیت‌های موضوع مورد نظر وی، بسته شود. مرحوم رضوی در متن وقف‌نامه که ۲۳ سال شخصاً عهده‌دار اجرای آن بود، از هر نوآوری در توسعه کمی و کیفی موقوفه استقبال کرده و آن را در راستای افزایش درآمدها مفید دانسته است.

با همین شیوه بود که مزارع موقوفه او، در دوره‌های جدید به برخی فعالیت‌های اقتصادی نوین مبتنی



دوتصویر از جوانی و سالمندی عبدا...رضوی. معروف به میرزای ناظر بزرگ‌ترین واقف امور درمانی در خراسان

بازگشت به مشهد، آن‌چه فرا گرفته بود در موقوفات آستان قدس و املاک شخصی‌اش به‌کار گرفت و به تدریج، تحولی اساسی در این حوزه به وجود آورد. یکی از حوزه‌هایی که وی به شکلی موفق به آن ورود کرد، حوزه باغداری بود. مرحوم عبدا...رضوی در سال ۱۳۴۳ خورشیدی، دست به وقف املاک گسترده‌اش زد و طبق برخی گزارش‌ها، با وقف

شاخص‌هایی که باید الگو شوند

بر تولیدات دامی، مانند پرورش ماهی قزل‌آلای آوردند. از سوی دیگر، وی دست متولیان را برای ایجاد کانون‌های تربیتی، مانند مدارس شبانه‌روزی باز گذاشت تا بتوانند در تربیت نسل جدید و به‌ویژه ایتمای که از حمایت مالی خانواده برخوردار نیستند، دست به اقدامات متناسب با هر دوره بزنند.

سوم:

یکی از مهم‌ترین شاخص‌های انتخاب موضوعات وقف توسط مرحوم عبدا...رضوی که باید از آن به‌صورتی جدا یاد کنیم، اهتمام وی به مقوله بهداشت و درمان است. در دوران ما، نیاز مبرمی به ورود واقفان در این عرصه وجود دارد. منابع درآمد موقوفه‌های مربوط به این موضوع، چندان گسترده نیست و گاه در برخی مناطق جغرافیایی اصولاً رد و نشانی از چنین وقف‌هایی دیده نمی‌شود. این مسئله باتوجه‌به افزایش هزینه‌های درمانی و ضرورت توجه واقفان و خیراندیشان به این مقوله، بسیار جدی و راهبردی به نظر می‌رسد.

مرحوم رضوی با عنایت به اهمیت این حوزه، بخش مهمی از درآمد موقوفه‌های خود - یعنی چیزی

چهره هویتی



میرزای ناظر، جد عبدا...رضوی، نفر سوم از سمت راست در عکسی از رجال آستانه در دوره قاجار. عکس: عبدا...قاجار



نمایی از مقبره عبدا...رضوی(میرزای ناظر) در شاندیز

هزینه نگهداری آن‌ها، به ۱۰ قسمت تقسیم کرد. از این ۱۰ قسمت، چهار قسمت صرف هزینه‌ها و خدمات درمانی، سه قسمت صرف نگهداری از ایتم، یک قسمت صرف برگزاری مراسم عاشورا و دو قسمت نیز، حق التولیه متولی موقوفه تعیین شده است. موقوفات عبدا...رضوی در سراسر ایران پراکنده است، اما در خراسان تمرکز بیشتری دارد. با استفاده از این ظرفیت، در کنار امور معنوی، مانند عزاداری و...، ساخت مراکز درمانی و مدرسه نیز با عنایت به موضوع وقف‌نامه ممکن شد و چون درآمد موقوفه‌ها معتابه بود، دست واقف و متولیان بعدی را در توسعه فعالیت‌ها باز گذاشت. عبدا...ناظر سرانجام در پنجم آبان ماه سال ۱۳۶۶، در ۹۱سالگی دار فانی را وداع گفت و پیکرش را در مقبره خانواده وی، واقع در اراضی شاندیز به خاک سپردند.

حدود ۴۰درصد آن را- به موضوع بهداشت و درمان اختصاص داد که این اقدام، به تأسیس مراکز درمانی مدرن و حمایت‌های مالی گسترده از بیماران نیازمند انجامیده است.

چهارم:

در متن وقف‌نامه و اختصاص درآمد‌های موقوفه عبدا...رضوی، توجه به مسائل معنوی و مراسم شرعی هم جدی است.

صرف ۱۰درصد از درآمد موقوفه برای تهیه غذای روز عاشورا و دیگر هزینه‌های جانبی سوگواری، هرچند به تنهایی بار معنوی ارزشمندی دارد، اما می‌تواند به عنوان یک الگوی ارائه‌پذیر برای همه واقفان و خیران مطرح شود؛ الگویی که به آن‌ها یاد می‌دهد جمع کردن موضوعات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و مذهبی در یک موقوفه کار سختی نیست و درواقع می‌توان با ایجاد یک موقوفه کارآمد و حتی مشارکتی، چشم‌انداز جذابی از موضوعات گوناگون را مد نظر قرار داد و تک‌بعدی نیندیشید. این مهم، به‌ویژه در سال‌های اخیر و با توسعه طرح وقف مشارکتی در جامعه، می‌تواند صورت و شکل بهتر و تأثیرگذارتری پیدا کند.

خراسان نامه

درباره یکی از معدود کاروان‌سراهای سرپوشیده خراسان

جان گرفتن رباط زرنوخ



هادی دقیقاً هر جای ایران رد و نشانی از کاروان‌سرا باشد، گواه این است که جاده‌ای پررفت‌وآمد از آن نزدیکی‌ها عبور می‌کرده است. در خراسان هم جدا از مسیر اصلی جاده ابریشم، مسیرهای فرعی زیادی می‌توان یافت که روزگاری کاروان‌رو بوده‌اند. در کل، اقامتگاه‌های بین‌راهی در طول تاریخ ایران به جاده اعتبار می‌داده‌اند. یعنی مسیری که کاروان‌سراهای بیشتر و بهتری می‌داشت، مسیری امن‌تر و بهتر برای سفر می‌بود. گذشته از این‌ها این هویت را فقط کاروان‌سرا به جاده نمی‌داد، بلکه خود جاده در اطرافش عناصر معماری زیادی تعریف می‌کرد که کاروان‌سرا بزرگ‌ترین آن‌ها بود. خراسان بسته به اقلیم کویری و گاه‌کوهستانی‌اش، تنوع زیادی در شکل معماری کاروان‌سرا دارد. یکی از مسیرهایی که از قدیم، جنوب خراسان را به مرکز می‌رسانده، جاده‌ای است که امروز گناباد را به تربت حیدریه، سپس به مشهد متصل می‌کند. در اطراف این مسیر هم منزل‌های بین‌راهی زیادی می‌شود دید. یکی از این توقفگاه‌ها که معماری‌اش جزو بناهای انگشت‌شمار منطقه محسوب می‌شود، کاروان‌سرایی است که سال ۱۲۸۱ با نام «رباط زرنوخ» در فهرست آثار ملی شهرستان مه‌ولات جای گرفت.

تاریخچه «مه‌ولات»

مه‌ولات یا محولات در متون قدیم با معانی متفاوتی از جمله آبادی‌های به‌هم‌پیوسته، ماه‌ولایت یا ولایت ماه و محوکردن بت وبت پرستی ذکر شده‌است. نخستین بار نام مه‌ولات در کتاب «تاریخ بیهق»، که به سال ۵۶۲قمری توسط علی بن زید بیهقی تألیف شده، آمده‌است. در این کتاب از مکانی موسوم به ولایت ماه سخن به میان آمده‌است. افزون بر این، تاریخ‌نگاران و جغرافی‌نویسان معروفی درباره مه‌ولات نوشته‌اند. به عنوان مثال فصیح خوافی صاحب «مجمعل فصیحی» می‌نویسد: سال ۸۰۷قمری امرای تیمور تعدادی از اهالی مه‌ولات را قتل عام کرد. همچنین حافظ آبرو در سال ۸۲۳قمری این منطقه را دارالسلطنه هرات ذکر می‌کند و در جای دیگر مؤلف «روضات الجنات» به غارت شدن و تهاجم به مه‌ولات در سال ۸۷۴ اشاره می‌کند. (منبع: وبگاه اداره میراث فرهنگی مه‌ولات) همه این‌ها گواه تاریخی است که مه‌ولات به دوش می‌کشد. در نتیجه، می‌توان تصور کرد که منطقه‌ای با این پیشینه تاریخی چقدر به کاروان‌سراهای بین‌راهی نیاز داشته‌است. زرنوخ هم روستایی کوچک است که تقریباً صد نفر جمعیت دارد. این روستا که از توابع بخش شادمهر شهرستان مه‌ولات است، در پنج‌کیلومتری جنوب شهر شادمهر هم ایستاده به تربت حیدریه قرار دارد. برای رسیدن به زرنوخ، همان حوالی سه‌راهی شادمهر و آن‌سوی جاده، باید دنبال تابلو روستای زرنوخ گشت؛ جاده‌ای که از میان کلی باغ‌پسته وانار می‌گذرد. در این جاده، بیش از رسیدن به اولین باغ، سمت چپ مسیر رباط زرنوخ به چشم می‌خورد؛ رباطی کهنه و سرپا، اما با باطاهری آشفته که به‌تازگی خبر مرمتش بیرون آمده‌است.

معماری رباط «زرنوخ»

کتیبه یا مدرکی که بتوان تاریخ ساخت رباط زرنوخ را با آن مشخص کرد، موجود نیست. اما نویسندگان کتاب «کاروان‌سراهای خراسان» معتقدند که سبک معماری، اجزای تشکیل‌دهنده فضاهای بنا، نوع اجرای قوس‌ها و نسبت اندازه دهانه طاق‌ها به ارتفاع آن‌ها و همچنین شباهت رباط زرنوخ با قسمت سرپوشیده رباط سفید که مربوط به دوره شاه‌طهماسب صفوی است، این بنا را در زمره بناهای دوره صفوی قرار می‌دهد.

در خراسان تعداد کاروان‌سراهای سرپوشیده یا زمستانی کم است. همین موضوع هم این‌دست کاروان‌سراها را خاص و مهم می‌کند. رباط زرنوخ پلانی مستطیل شکل دارد و ورودی بنا در ضلع جنوبی، ایوانی بزرگ و بلند است. دو طرف ایوان اصلی بنا نیز دو ایوانچه با طاق جناغی تعبیه شده‌است. ایوان اصلی از طریق درگاهی کوچک به اتاقی مستطیل شکل می‌رسد که حکم هشتی بنا را دارد. دو سوی این فضا نیز دو اتاق دیگر قرار دارد. پس از این فضا به بخش اصلی بنا می‌رسیم؛ جایی که سقف تالار اصلی روی چهار ستون با قاعده مربع سوار شده‌است. با ایجاد طاق‌هایی با قوس‌های جناغی، ۹چشمه‌طاق و فضا ایجاد شده‌است. روی هشت فضا گنبد عرقچین کم‌خیز قرار دارد و آسمانه بخش مرکزی و نهمین فضا را هم یک گنبد با ساقه هشت‌وجهی پوشانده‌است. روی دیوار هر ضلع ساقه این‌گنبد هم نورگیرهایی تعبیه شده که نور کاروان‌سرا را تأمین می‌کرده‌است. دورتادور این تالار هم دوازده ایوانچه است که یکی از آن‌ها ورودی بناست. این ایوانچه‌ها محل استراحت کاروانیان بوده‌اند. در دو طرف ضلع شمالی رباط زرنوخ نیز دو برج مدور و توخالی به چشم می‌خورد که راه دسترسی به آن‌ها از داخل بنا و ایوانچه‌های دو سوی تالار است.

جان‌گرفتن رباط سرپوشیده

سازه رباط سرپوشیده زرنوخ نسبتاً سالم است، اما بخش اندکی از آجرهای سقف و همچنین بخش بزرگی از آجرهای پایه‌بنارخته‌است. آجرهای پایه‌بنای به‌شکلی ریخته‌اند که هر لحظه بیم تخریب کامل بنا می‌رود. از سال ۱۳۸۱ که این بنا در فهرست آثار ملی قرار گرفت، این تخریب روزبه‌روز بیشتر شده‌است. خبر امیدوارکننده این است که در همین هفته‌های گذشته کار بازسازی این بخش‌های تخریب‌شده آغاز شده‌است تا این بنای منحصربه‌فرد جانی دوباره بگیرد. در این راستا، مسئول نمایندگی میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی شهرستان مه‌ولات گفته‌است: در بررسی‌ها و بازدید کارشناسان میراث فرهنگی استان، لزوم استحکام بخشی بنا در دستورکار قرار گرفت. در این مرحله از مرمت، پایه‌های ورودی بنای مذکور بازسازی می‌شود.

کاروان‌سرای زرنوخ که سال‌ها از مسافران مسیر قدیمی طبس و فردوس به مشهد پذیرایی می‌کرد، امروز کمی از جاده اصلی دور افتاده‌است؛ اما محکم‌شدن پایه‌های این کاروان‌سرای صفوی جای خاصی برای آن در تاریخ خراسان باز خواهد کرد. هرچند روستای زرنوخ حالا در مسیر فرعی قرار دارد و کاربری بخشیدن به رباط تاریخی آن کاری دشوار است.

کاشی آبی

فرخدا کوچه عباسقلی خان را که قدم بزیند، هنوز با کاشی‌های رنگی نقش‌خورده با گل و مرغ‌ها یا کتیبه‌های جان‌گرفته با احاد پٔ و آیات قرآنی بسیاری روبه‌رو می‌شوید که بخشی از تاریخ روبه‌احتضار مشهد قدیم هستند؛ خانه‌های تاریخی اما بیشترین یادگارهای باقی‌مانده از تاریخ مشهد در این خیابان‌اند. یکی از این خانه‌ها، حیاطی بزرگ با بنای دو طرفه دار اما بیشتر از آنکه پنجره‌های چوبی با نقش و نگارهای رنگی‌اش به چشم بیاید، کج سلیقه‌ی در مرمتش توی ذوق می‌زند. پلاک ۹۹کوچه شهید رکابی در خیابان نواب صفوی، بازمانده عصر قاجار در مشهد است که اگرچه امروز به اسم خانه محمدی شناخته می‌شود، حدود نود سال